بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

۶/۷/۱۳۹۸

مبحث لا ضرر

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

دربارة این بحث می‌کردیم که آیا می‌شود به وسیلة استقصاء مواردی که با دو نام متوسط واقع شده‌اند از وضعیت راوی که نامش برده نشده و به صورت مرسل بین این دو راوی قرار گرفته‌اند نتیجه‌گیری کنیم. و اگر همة راویان بین دو راوی ثقه باشند یا اکثریت قریب به اتفاقشان ثقه باشند قطع یا اطمینان حاصل می‌شود که این راوی نامش برده نشده هم یکی از آنها هست. در مجموع به اینجا رسیدیم که می‌شود با این روش از مشکل ارسال بیرون آمد.

اینجا یک سؤالی را بعضی از دوستان مطرح کردند که با توجه به پالایش احادیث آیا این نتیجه‌گیری صحیح هست یا صحیح نیست. این سؤالی که رفقا کردند با یک شکل عام‌تری طرح می‌کنم. آن این است که تردیدی نیست که یک سری روایات ما به دست ما نرسیده. اینجور نیست که همة روایات ما به دست ما رسیده باشد. یک نوع گزینش در نقل روایات وجود داشته. با توجه به این گزینشی که وجود داشته، انگیزة گزینش هر چی می‌خواهد باشد آیا ما این نسبت سنجی که بین راویان ضعیف و راویان ثقة متوسط بین دو راوی را در نظر می‌گیریم این نسبت‌سنجی می‌توانیم با توجه به روات موجود بگوییم کل رواتی که بین این دو تا راوی واسطه واقع شده‌اند آنها هم همین شکل هستند. به تعبیر دیگر اصل قضیه وابسته به یک نکته است. آیا عاملی که باعث شده که بعضی از روایات نقل نشود این عامل نسبتش به روایات ضعیف و روایات غیر ضعیف یکسان است؟ اگر یکسان باشد طبیعتاً از روایت‌های موجود است که در سندش دو تا راوی واقع بشوند می‌شود کل روایاتشان را آمارگیری کرد. ولی سؤال این است که ممکن است آن عامل حذف بعضی از روایات، روایات ضعیف را بیشتر از دم تیغ گذرانده باشد. بنابراین نسبت به روایات محذوف تعداد روات ضعیف بیشتر باشند. بنابراین ما اینکه در روات موجود می‌بینیم که تعداد روات ضعیف بین دو تا راوی خیلی کم است، این را نسبت به آن چیز مفقود نتوانیم اظهار نظر کنیم. در مورد ابن ابی عمیر و مشایخش هم همین سؤال مطرح است که اگر ما مشایخ ابن ابی عمیر را بررسی کردیم. دیدیم که از ۱۰۰ تا شیخ ابن ابی عمیر، ۹۸ تایش ثقه هستند، ۲ تایش غیر ثقه هستند. می‌خواهیم بگوییم که یک بعض اصحابنا و رجلی ابن ابی عمیر از آنها نقل کرده این ثقه هست یا ثقه نیست، بگوییم که شما الآن در روایت‌های موجود نسبت روایت‌های راوی ضعیف به راوی ثقه ۲ درصد است. ولی ممکن است در اصل این نسبت ۱۰ درصد بوده، آن ۸ درصدش در اثر آن عامل گزینش که پالایش احادیث اسمش را بگذاریم، هر چی می‌خواهید. آن عامل گزینش به گونه‌ای بود که بیشتر روایت‌های ضعیف را حذف می‌کرده و نسبت به روایات ضعیف رابطة نزدیک‌تری داشته تا روایت‌های صحیح. بنابراین ممکن است در واقع ده درصد راویان که شیخش ابن ابی عمیر باشند ضعیف باشند و ده درصد مثلاً بگوییم حجمش حجمی نیست که عقلا اعتناء نکنند. ممکن است به ۲ درصد اعتنا نکنند ولی به ۱۰ درصد اعتماد معتدّ به عقلایی داشته باشند. این اصل اشکال هست. این اشکال یک مقداری وابستة به یک کار مفصل هست در مورد اینکه ما نحوة نیاوردن‌ها به چه شکل بوده، چه سبب‌هایی روایت‌ها را حذف می‌کردند و امثال اینها. یک کار جدی می‌خواهد. این بحث در خیلی جاها اثر دارد. مثلاً در یکی از بحث‌هایی که خیلی مهم است، بحثی هست شبهه‌ای که اخباری‌ها مطرح می‌کنند، شبهه‌ای که اصولی‌ها به نفع اخباری‌ها مطرحش کردند که ما ممکن است دلیلی بر اصالة الاحتیاط بیاوریم به خاطر اینکه مقدار زیادی روایات چون حذف شده ما به عمومات اطلاقات نمی‌توانیم تمسک کنیم به دلیل اینکه علم به وجود مخصص و مقید داریم و این مخصص و مقیدها خیلی‌هایش کأنّ به دست ما نرسیده. این وابسته به این هست که ما چقدر علم داشته باشیم به مخصص و مقیدهایی که به ما نرسیده و کاملاً مؤثر هست.

در این بحث اخیر یک موقعی این را عرض می‌کردم و آن اینکه اینجوری از مقایسة بعضی از منابع کتب موجود با کتاب موجود به دست می‌آید این شبهه را می‌تواند پاسخ بدهد. شیخ صدوق در ابواب السفر که قسمتی از کتاب الحج فقیه است از محاسن مطلب نقل می‌کرده. پیداست که عنوان باب‌ها از محاسن هست. مثلاً در کافی در بعضی کتاب‌های دواجن و کتاب‌های مربوط به آن قسمت‌ها به خصوص، جلد ۵ و ۶ کافی از محاسن برقی خیلی نقل کرده، حالا چه با تصریح به اسم احمد برقی یا بدون تصریح.

از بصائر الدرجات صفار، کافی جلد اوّل نقلیات زیادی دارد. اگر مقایسه کنیم ببینیم روایت‌هایی که در منبع اولیه بوده چقدر از این روایات کافی منتقل شده. آدم نگاه که می‌کند می‌بیند مضامینی که منفرد باشد یعنی مضامین تازه نوعاً منتقل شده. روایت‌هایی که حذف شده مضامینش تکراری است. مثلاً در محاسن برقی ۴۰ روایت در یک باب که هست، ۴۰ تا روایت را وقتی بررسی می‌کنید می‌بینید ۴۰ روایت در ده مضمون است و تکرار شده. در کافی که مراجعه می‌کنید می‌بینید از ۴۰ روایت ۲۰ تا روایتش آمده. ۲۰ تا روایت نیامده. این ۲۰ روایت نسبت به آن ۱۰ مضمون ۹ تایش را در بر دارد. یعنی نسبت به کل روایت‌های محذوف، روایت‌های موجود را آمارگیری کنیم ۵۰ درصد روایات نیامده. ولی ۵۰ درصد مقدار مضامینی که داشتند فقط ۱۰ درصد بوده. مضامین تازه‌ای که براساس اینها. یک همچین آمارگیری می‌شود انجام بدهند. در نتیجه اینکه ما در روایت‌های فقهی، روایت‌های مخصص و مقیدها عام‌ها باشند. بگوییم علم اجمالی داریم، یک علم اجمالی که عقلا مؤثر بدانند. آمار بالایی داشته باشیم خیلی روشن نیست که علم اجمالی داشته باشیم. عمدة مقیدات و مخصصات وارد شده. بنابراین نمی‌توانیم آن مشکل را مطرح کنیم.

پاسخی که آنجا دادیم، در جای خودش خوب است ولی در بحث ما به درد نمی‌خورد. بحث ما برای سند نه مضمون روایت. بحث این است که آن ۴۰ روایتی که بوده که الآن ۲۰ روایت شده، نصفش سندها حذف شده ولو مضامین تازه نداشته، ولی سندهایی داشته که این سندها حذف شده. آیا می‌توانیم بگوییم که ممکن است از آن ۴۰ روایت مثلاً تعداد روایت‌های معتبرش ۳۰ تا بوده ولی مرحوم کلینی از این ۳۰ تا، ۲۰ تایش را نقل کرده، این ۲۰ تا همه معتبرها باشند، بنابراین تعداد روایت‌های ضعیفی که در کافی هست آمارش خیلی پایین باشد، در حالی که همین تعداد روایت‌های ضعیف را وقتی آمارش را در محاسن می‌بینیم ممکن است ۲۵ درصد بوده ولی در کافی این ۲۵ درصد، ۲درصد می‌شود. آن پاسخی که دادیم در حل مشکلی که در ما نحن فیه هست مفید نیست. این یک مقداری نیازمند بررسی مضمونین است. بررسی این است که ببینیم اینهایی که حذف شده چقدر، آیا در حذف روایت توجه به سند چقدر بوده. خودش یک نکته‌ای است که توجه به سند در چه حد و اندازه مانده. آیا عاملی که سبب گزینش می‌شده بیشتر جنبة مضمونی دارد یا جنبة سندی دارد. اگر به صحت و سقم سند در هنگام گزینش توجه کافی شده باشد طبیعتاً نسبت رابطة عامل حذف با روایات ضعیف پررنگ‌تر است. گزینش باعث می‌شود که بیشتر آن راویان ضعیف از دم تیغ گذشته باشند. در حالی که ما نتوانیم آن آمارگیری را در مورد کل روایات داشته باشیم. این نیازمند به کاری هست که باید انجام بشود.

بحث را در یک زاویة دید دیگری دنبال کردم که در بحث ما نحن فیه هم وجود داشته باشد. تمام روایت‌های محمد بن خالد برقی را در محاسن بررسی کردم. روایت‌های راوی که مورد نظر ما هست بحث می‌کنیم پدر احمد هست. تمام روایت محمد بن خالد برقی را که در محاسن به تعبیر عن ابیه آمده. در محاسن تک و توک عن ابی عبدالله هست آنها را نیاوردم. خیلی روی آمار ما نقش چندانی ندارد. تک و توک این وسط در رفته باشد. گاهی از پدرش عن ابی عبدالله یاد کرده. موارد عن ابیه را بررسی کردم. مواردی که با تعبیر فیه اجمالی نداریم. اسناد محاسن با عنه شروع می‌شود، عنه‌هایش همه‌اش به خود مؤلف برمی‌گردد. ممکن است در این آماری که می‌گویم تک و توکی آمار از پدرش با تعبیر عن ابیه نبوده. تک و توک هست. موارد عن ابیه محاسن را بررسی کردم. نگاه کردم ببینم که چقدر از راویان ضعیف مرسلات در اینها وجود دارد. گاهی ضعیف را هم مراد من از ضعیف کسانی مثل محمد بن سنان اینها که توثیق می‌کنم آنها را نیاوردم. موردی که ما دیگر آنها را توثیق نمی‌کنیم. شبیه همین کار را در کافی هم انجام دادم. البته کافی‌اش را براساس آماری که در درایة النور هست. چون مشایخ محمد بن خالد برقی در درایة النور هم هست. خصوص مواردی که محمد بن خالد برقی ازش احمد بن محمد خالد نقل می‌کند را هم نیاوردم. همة موارد محمد بن خالد برقی در کافی هست آنها را دنبال کردم. البته تقریباً ۹۵ درصدش راوی از محمد بن خالد برقی در کافی احمد بن محمد خالد است ولی چون در درایه دنبال می‌کردم آمارگیری هم در کل مواردی هست که محمد بن خالد برقی در کافی هست. می‌خواستم بگویم چند درصد از روایات محمد بن خالد برقی در محاسن ضعیف است، از مشایخ ضعیف نقل کرده. در کافی چند درصد است. آیا آن عاملی که باعث شده مرحوم کلینی یک سری آورده آن عامل باعث شده که تعداد راویان ضعیف در کافی پایین بیاید. چون اگر قرار باشد آن عامل گزینش نسبتش به راویان ضعیف نزدیک‌تر باشد، رابطه‌اش با آن قوی‌تر باشد باید تعداد روایت‌های ضعیفی، یعنی تعداد مشایخ محمد بن خالد برقی که ضعیف هستند کمتر باشد از تعداد روایت‌های ضعیف محمد بن خالد برقی در محاسن. این را دنبال کردم. به یک نتیجة جالب رسیدم، آن نتیجه اینکه برعکس بیشتر است. یک مقدار بیشتر هست. هم در مورد مرسلات. هر دوی اینها بیشتر است ولی به خصوص در مورد ضعیف‌ها. کل روایاتی که در محاسن برقی عن ابیه بوده ۷۳۳ روایت بود. ۱۲۱ روایتش که روایت ضعیف است، اینها را سریع دیدم ممکن است ۲، ۳ تا بالا پایین داشته باشد. ولی در آمارگیری‌ها خیلی تأثیر آنچنانی ندارد. ۱۲۱ راوی ضعیف، راوی‌ای که اجالتاً چیز مشخصی که بتوانم توثیقش بکنیم پیدا نکردم. آن راوی‌هایی که به نظر می‌رسد ثابت الوثاقة را حذف کردم. و آنها را که اجالتاً می‌شود توثیقشان کردن، از کل روایت ۷۳۳ بود، ۱۲۱ روایت ضعیف و من لم یصدق اجالتاً وثاقته که ۱۶ درصد باشد. باب الصلاة، مرسلات.

در کافی کل روایات محمد بن خالد برقی ۵۴۴تاست. این هم دقیقاً ۱۲۱ است. فقط کل روایاتش کمتر است، آمارش ۲۲ درصد شده. یک مقداری بیشتر است. علت اصلی این تعداد ابوالبختری است. از برنامة درایة النور هست. درایة النور ممکن است یک مقداری تکراری در کافی حساب می‌کند، ولی در درصدها نقش آنچنانی ندارد. علت اصلی ابوالبختری است. ابوالبختری در کافی ۲۰ بار تکرار شده. محمد بن خالد برقی ۲۰ جا از ابوالبختری روایت کرده. در حالی که در محاسن برقی ابوالبختری ۳ مورد فقط دارد. علتش که راوی کتاب ابوالبختری محمد بن خالد برقی بوده و ابوالبختری هم بیشتر روایاتش فقهی است. آن زاویة دیدی که محاسن برقی آن زاویة دید درش هست که بیشتر روایت‌های غیر ثقه‌ای است، ابوالبختری خیلی نیست. یعنی یک چیزی حدود شاید ۲۰ تا روایت در مجموع باید ما، اگر همین ابوالبختری از دایرة محاسبات حذف بشود از کافی که ما ۵۴۴تا داریم، می‌شود ۵۲۲تا. تعداد ضعفایش می‌شود ۱۰۱تا. این تعداد می‌گوییم تعداد روایت‌های ضعیف است. تعداد روایت‌ها را باید ملاک قرار داد نه تعداد راوی‌های را. ۱۰۱ تقسیم ۵۲۲، نوزده و نیم درصد. آن یکی ۷۳۰ تقسیم بر ۱۱۸، شانزده درصد. آن تغییر آنچنانی نمی‌کند. ولی این نزدیک سه درصد پایین می‌آید. ابوالبختری خیلی در اینجا نقش دارد.

شاگرد: ممکن است به این خاطر باشد آن بخش‌هایی از کتاب محاسن که به ما نرسیده در آنجا بیشتر.

استاد: بله همین است. محاسن کلاً گرایشش فقهیانه نیست. عمده‌اش موارد ابوالبختری در محاسن نباشد. طریق به کتاب ابوالبختری است. محمد بن خالد عن البختری چون طریق به کتاب ابی البختری است این خیلی از این روایت‌های ابی البختری از کتاب محاسن نیست. از خارج کتاب محاسن، اینکه آمارها اینجوری می‌شود.

نسبت به مرسلات آمار خیلی نزدیک است. خصوص مرسلات را هم آمارگیری کردم. کل روایات محاسن ۷۳۳ بود، خصوص مراسیلش ۵۷ تا بود که ۸ درصد روایت‌های مرسلش است. کل روایت‌های کافی ۵۴۴ تاست، خصوص مراسیلش ۴۶ تاست که هشت و نیم درصد است. تقریباً یکی است. به دلیل این می‌گویم بعضی ویژگی‌های خاصی در مورد نام‌های مشخص بود که باعث می‌شد یک مقداری بالا برود. از این آمارگیری نتیجه‌گیری می‌شود که در انتخاب روایات به اسناد ارسال خیلی توجه نشده. آنکه بیشتر مد نظر هست متون است. به متون بیشتر توجه شده. اینجور نیست که عامل حذف روایت‌های ضعیف و مرسل را بیشتر حذف کرده باشد. آن عامل حذف روایت‌های ضعیف و مرسل را، نسبتش تقریباً یکسان است.

شاگرد: چون احمد هم نقل می‌کرده شبهة حذف در احمد هم نیست. یعنی در این طبقه بعدی‌اش در بعدش باشد. این احمد

استاد: اگر انتخاب کرده باشد بدتر. آن طرف قضیه را می‌خواهیم بگوییم. می‌خواهیم بگوییم که، انتخاب محاسن برقی نکته‌ای هم داشت برای این کار. چون محاسن برقی جامع‌نگار است نه صحیح‌نگار و کافی صحیح‌نگار است. علی القاعده باید صحیح‌ها را انتخاب کرده باشد ولی این ازش استفاده می‌شود با وجود اینکه صحیح‌نگار است این صحیح‌نگاری در اسناد اینقدر اثر نمی‌گذارد.

شاگرد: بین کلینی و صدوق هم در صحیح‌نگاری‌شان فرق است.

استاد: شبیه همین در صدوق رفت. در صدوق یک مقداری نگاه می‌کردم. مثلاً رابطة بین محمد بن خالد برقی با ابن مسکان. اینکه این رابطه‌اش در کتب کافی با کتاب‌های صدوق رابطه‌اش فرق دارد. فرق جدی حس نکردم. روی آمار دقیق نرفتم که آمار دقیق در بیاورم. ولی این را با این دید هم نگاه کردم. فرق آنچنانی بین کتب صدوق و امثال اینها من نگاه نکردم. این دیدی که عرض کردم خیلی موثر هست در یک سری بحث‌های رجالی. بعضی‌ها تصورشان این هست که مثلاً چون مرحوم کلینی اوّل کافی آن شهادت را داده، آن شهادت ازش کشف می‌شود که روایت‌های کافی خیلی‌ها صحیح هستند. مرحوم کلینی اینکه تصحیحی که ایشان می‌کند بر افراد، یعنی تصحیحش براساس سند به آن شکل بودند به طوری کأنّ تمام روایت‌های کافی را بگوییم سندش درست است به طوری که ما اگر یک روایتی سندش را نشناختیم بگوییم کلینی سندش را دارد تصحیح می‌کند اینجور نیست. کلینی تک تک اسناد کتاب را تصحیح نمی‌کند. یک بحثی هست حاج آقا عقیده دارند اگر در یک بابی یک راوی منفرد باشد آن را تصحیح می‌کند. بحث مرسلات باب یک بحث دیگر است. ولی بحثی که به‌طور کلینی می‌گوییم کلینی می‌خواهد تصحیح سندی روایاتش را بکند، شهادت آغاز کافی ناظر به تصحیح سندی تک تک روایات است. این بحثی که می‌کنیم نادرست بودن این دیدگاه را می‌رساند، کلینی در مقام تصحیح سندی تک تک روایات نیست و الا من شبیه همین را در مورد کامل الزیارات عرض می‌کردم. اگر مرحوم ابن قولویه بنایش بر تصحیح تک تک اسناد افراد واقع در سند کامل الزیارات باشد به‌طور طبیعی باید میزان راویانی که ثابت الوثاقه هستند در کامل الزیارات درصدش بالاتر از متعارف باشد. چون فرض این است که او در صدد انتخاب فقط راویان صحیح هست و اینکه بگوییم همه جا اختلاف دارند. مرحوم ابن قولویه با دیگران اختلاف دارد، امثال اینها، این خیلی مستبعد است و اگر اساساً یک همچین اختلاف باشد شهادت زیر سؤال می‌رود. ما باید در صورتی شهادت ابن قولویه به وثاقت معتبر هست مثل شهادت معمولی باشد. اگر شهادت، شهادت معمولی باشد باید نسبت راویان ثقه‌ای که در کامل الزیارات هست با نسبت کتاب‌های دیگر بالاتر باشد. در حالی که هیچ فرقی ندارد بلکه پایین‌تر است. فرض این است کسانی که عقیده‌شان این است، نظریة قبلی آقای خویی. مرحوم آقای خویی سابقاً عقیده‌شان این بود کل اسناد کامل الزیارات صحیح است بعداً از این نظر برگشتند. اصل اینکه ما تمام اسناد کامل الزیارات و تمام راویان را ثقات بدانیم و بگوییم مرحوم ابن قولویه درصدد نقل از راویان ثقه، یعنی نقل تمام اسناد کتابش را می‌خواهد توثیق بکند، اگر واقعاً آن شهادت مقدم ناظر به کل سلسله سند باشد باید تعداد افراد ثقه در کل سلسلة سند نسبت به تعداد کل افراد ثقه در سایر کتاب‌ها بالاتر باشد. یک مقداری ممکن است اختلاف باشد، آن مقدار اختلاف خیلی گیری ندارد. ولی شما اگر نگاه کنید تعداد راویان ثقه در کامل الزیارات پایین‌تر از جاهای دیگر است. علت اصلی این است که چون مستحبات است، در مستحبات خیلی تقید به سند آنچنانی نیست، برعکس آن چیزی که است آمار کلی را در نظر بگیرید تعداد راوی‌ها توثیق شدة قطعی در کامل الزیارات پایین‌تر از متعارف است. در حالی که اگر قرار بود مرحوم ابن قولویه شهادت وثاقت به کل سلسلة سند می‌داد این باید تعداد بالاتر می‌رفت. خود همین را شاهد قرار می‌گرفتیم که آن توثیق اگر آن عبارت توثیق باشد. در این کلاس بحث می‌کنیم که اصلاً در مقام توثیق هست یا نیست. اگر عبارت کامل الزیارات ناظر به توثیق باشد، توثیق کل سلسلة سند است، توثیق مشایخ مستقیم است، توثیق صاحب کتاب‌هایی هست که روایت از کتاب آنها اخذ شده. نمی‌تواند این توثیق آن دیدگاه مرحوم آقای خویی. مرحوم آقای خویی، می‌گفتند ظاهر عبارت کامل الزیارات توثیقش جمیع سلسلة سند هست، این ظاهر چون نقض‌های زیادی دارد، این نقض کاشف از این هست این ناظر به کل سند است. من منهای نقض ایشان، نقض ایشان هم درست است، این استدلال تمام است، می‌خواهم بگویم منهای بحث آن نقض‌ها آقای خویی مطرح می‌کنند اصلاً با توجه به نگاه کلی که ما به این کتاب می‌کنیم در اینکه هیچ ویژگی خاص فردی، اعتبار سندی در کتاب مشاهده نمی‌شود این خودش مشخص است که عبارت کتاب اصلاً ظهور عبارت در این‌که ناظر به کل سلسلة سند باشد و همة راوی‌ها را مرحوم ابن قولویه بخواهد توثیق بکند آن نیست.

در ما نحن فیه هم شبیه همین در مورد اسناد کافی همین را می‌توانیم بگوییم. اینکه بگوییم کل سلسلة سند، چون مرحوم کلینی در مقام توثیقش برآمده، این با توجه به اینکه می‌بینیم که نه این شکلی نیست، وقتی چیزها را مقایسه می‌کنیم تفاوتی با کتاب جامع‌نگاری ندارد. مواردی که متفرد که در یک باب باشند بحث دیگر است، آن با این نتیجه‌گیری که عرض می‌کنم نقض نمی‌شود. ولی اینکه بعضی‌ها دیدگاهشان این است کل سلسلة سند را تصحیح اسنادی می‌خواهد بکند. تصحیح غیر اسنادی را نمی‌خواهیم انکار بکنیم. تصحیح ولو به قرائن خارجیه. آن حدسی می‌شود. آن یک مقداری اعتبارش را زیر سؤال می‌برد. اما این بخواهیم بگوییم تصحیح اسنادی است و این تصحیح اسنادی معتبر هستند، شهادت به صحت سندی کل سلسلة سند هست، بنابراین کل روایتی که در کافی هست از جهت سندی معتبر است، این را نمی‌شود اثبات کرد. خود این نتیجه که عرض می‌کنم خودش.

شاگرد: این مسلم است که این از مشایخ برقی ما ضعیف می‌دانیم، مرحوم کلینی هم ضعیف می‌دانسته؟

استاد: بحث سر این است که اینکه بین دیدگاه ائمة رجال با دیدگاه مرحوم کلینی همان بحثی که در کامل الزیارات عرض می‌کردم اگر اختلافشان اینقدر زیاد باشد مرحوم کلینی اینقدر دید واسعه داشته باشد این خودش معنایش غیر متعارف بودن مرحوم کلینی است. شهادت مرحوم کلینی دیگر معتبر نخواهد بود. اینکه شهادت مرحوم کلینی را معتبر می‌دانیم، اینکه دیدگاه چیز را می‌گوییم براساس کلمات ائمة رجال هست به علاوه ما این نتیجه‌گیری‌هایی که کردیم با دید موسعی که خودمان داریم وارد بحث می‌شویم. موارد محمد بن سنان و امثال اینهایی که ائمة رجال تضعیف کردند آنها هم در بحث نیاوردیم. مواردی که ذکر کردیم مواردی که خیلی زور می‌برد اینها بشود توثیق بشوند. ما هیچ راه درست و درمانی بر وثاقت اینها پیدا نکردیم. اگر مرحوم کلینی در توثیقات از این هم خیلی واسع‌تر باشد. حالا یک قدری واسع‌تر از این خیلی مهم نیست. ولی بخواهد خیلی از این واسع‌تر باشد دید توثیقی‌اش معنایش این است که از متعارف خیلی فاصله دارد و این شهادت‌هایی که از متعارف خیلی فاصله داشته باشد حجیت عقلایی ندارد.

شاگرد: خیلی تضعیف می‌کند متعارف نیست.

استاد: آن آن طرف قضیه‌اش است. شهادت‌هایی معتبر هست که متعارف باشد چون اصل حجیت شهادت‌ها در مواردی که غیر متعارف باشد مشکل دارد.

شاگرد: بررسی که شما کردید از محاسن به این طرف است ممکن است ما بگوییم پالایش حدیثی قبل از محاسن در قم رخ داده؟

استاد: این را که می‌خواهم بگویم در مورد بحث محمد بن خالد برقی خودمان است. خصوص این بحث را دنبال کردم. بحث ما رابطة محمد بن خالد برقی با ابن مسکان را می‌گویم. اصل این بحث در مورد، پالایش حدیثی اگر به سندی، اینکه پالایش حدیث به آن معنا سندی نیست. پالایش حدیث بیشتر ناظر به متن‌هاست. یعنی متن‌هایی که مضامین. از کتاب توحید مرحوم صدوق استفاده می‌شود یک سری روایت‌هایی که ازش مضامین جبر و امثال اینها استفاده می‌شده که مرحوم صدوق نیاورده. از روایت‌هایی که مضامین جبر از آن استفاده می‌شود و بوده که سید مرتضی گاهی اوقات بعضی چیزها را دارد. سید مرتضی دیدگاهی که نسبت به قمی‌ها ما من قم الا قمی مجبّر مشبّه امثال اینها الا ابا جعفر بن بابویه، آن عبارت معروف از آن مجموعاً استفاده بشود از کل عبارت‌های صدوق هم استفاده می‌شود که مرحوم صدوق در توحیدش روایت‌هایی که مضامین جبری و تشهیهی از آن استفاده می‌کند این روایت‌ها را نیاورده. یک نوع پالایشی مرحوم شیخ صدوق کرده در نقل روایت. پالایش‌های متنی است. پالایش سندی نیست. بحث پالایش حدیث یک بحثی هست افرادی مطرح کردند ولی شواهد روشنی برای پالایش ذکر نکردند. پالایش شده، کجاها پالایش شده، چجوری پالایش شده. اینکه آن بحث پالایش حدیث و بحث حذف بعضی از روایات این یک بحثی هست خیلی جاها می‌تواند مؤثر باشد. بحثی که اینجا الآن دنبال کردم بیش از همه بحث کلی‌اش را به آن معنا نمی‌خواهم الآن دنبال کنم. بحث را بیشتر روی مثال خود محمد بن خالد برقی بردم. فکر می‌کنم شبیه این را در مورد خیلی‌های دیگر و در طبقات مختلف هم ببرید به همین نتیجه‌ها برسید. آن تطبیقی که کردم روی روایت‌های محمد بن خالد برقی کردم. به نظر می‌رسد روایت‌های محمد بن خالد برقی که در محاسن بوده با روایت‌های محمد بن خالد برقی که در اختیار ما هست تفاوت جوهری در این آمارگیری‌ها ندارد. خیلی و جدی. تفاوتش که بالاتر بود برعکس بود. بنابراین به نظر می‌رسد که عامل حذف در حذف روایت‌های ضعیف مؤثر نبوده. اینجور نبوده که بخواهند روایت‌های ضعیف را پالایش کنند و حذفی هم صورت گرفته باشد، گزینشی هم صورت گرفته باشد، گزینش به متن ارتباط داشته نه به سند ارتباط داشته.

شاگرد: همینجا به سند خیلی کار ندارند یا می‌خواهید نتیجة کلی بگیرید.

استاد: کلی به آن معنا نمی‌خواهم. الآن بیشتر بحثم روی محمد بن خالد برقی است ولی تصور می‌کنم که به‌طور کلی هم می‌شود همین نتیجه را گرفت، ولی

شاگرد: عامل تصدیق یک خبر قرار خارجی نیست معمولاً.

استاد: باید از یک روش‌های مشابه همین روش دنبال کرد ببینیم آیا در جاهای دیگر هم نحوة حذف به چه شکل بوده. فکر می‌کنم تصور بدون آمار دقیقی داشتن و استدلال برهانی داشتن آن تصور اجمالی این است که شبیه همین کاری که محمد بن خالد برقی کردیم در مورد خیلی از راوی‌های دیگر هم می‌شود کرد، این نتیجه، یک نتیجة عامی است. الآن من آن استدلالی که کردم استدلال محمد بن خالد برقی بود و در مورد محمد بن خالد برقی به نظر می‌رسد که آن عامل حذف تأثیر چندانی نداشته بنابراین به نظر می‌رسد ما روایت ابن مسکان را بشود تصحیح کرد.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

شاگرد: توجیه عقلایی‌اش توجه کنند می‌توانستند تصحیح کنند.

استاد: نمی‌خواهم بگویم که. گاهی اوقات متکرر بوده. چند نفر نقل کردند ضعیف هم نقل کرده بود، غیر ضعیف هم نقل کرده بوده به اعتبار روایت‌های ثقه آن روایت ضعیف. روایت ضعیف به عنوان مؤیدات آورده می‌شود. بحث روایت متفرّد در بابی که حاج آقا می‌گویند یک بحث دیگر است. آن موارد را ممکن است بگوییم به احتمال سند باشد. این دو تا بحث با همدیگر جداست. نکاتش هم متفاوت است. بحث من سر این هست جایی که کل سلسلة سند را بخواهیم بررسی کنیم، خیلی از این سندهایی که آورده باشند به عنوان تأیید آورده باشند. این ضعیف است. به عنوان مؤید روایت‌هایی که از طرق ثقات هم نقل شده آورده باشند. حتی اینکه مؤید هست نه تنها مؤید خودش هم معتبر است. چون با همان مبنایی که عرض می‌کردیم. اعتبار خصوص این است. اعتبار در این مورد است. ابوالبختری را ما تصحیح نمی‌کنیم ولی همین ابی البختری یک روایتش مشابهش را غیاث بن ابراهیم آورده باشد این روایت ابی البختری را می‌گوییم کذب نداشته. این است که بحث‌هایش فرق دارد.

[پایان]